

حقوق ثبت احوال از منظر اظهار قانونی رویداد های ولادت و فوت و اثر آن بر ثبت به هنگام

دکتر محمود قیوم زاده^۱ و سید مجید نبوی^۲

چکیده :

قوانین و مقررات ثبت احوال از ابتدا (سال ۱۲۹۷) تا آخرین قانون مصوب که در سال ۱۳۵۵ به تصویب رسیده است همواره بر اعلام به موقع و در مهلت پیش بینی شده در قانون تاکید داشته است. فرآیند ثبت یک رویداد حیاتی (ولادت و مرگ) از جهتی به دو حوزه اعلام و ثبت تقسیم می شود. وظایف ثبت احوال در حوزه ثبت و تکالیف حوزه اعلام بعهد اعلام کنندگان قانونی است. اعلام کنندگان قانونی به دو دسته اشخاص حقیقی و اشخاص حقوقی تقسیم می شوند. اثر اظهار دیر هنگام اعلام کنندگان قانونی اعم از صاحبان واقعه و مسئولین ذریبط، دیر ثبتي خواهد بود. ثبت احوال به منظور اینکه رویداد های حیاتی ثبت نشده باقی نمانند، در حوزه اعلام مداخله کرده و امر اعلام را با کشف رویداد و دعوت از صاحبان واقعه به اظهار قانونی رویداد تسهیل نموده است. مقاله حاضر با رویکردی جدید به مقوله دیر ثبتي نگریسته و سعی در تبیین علل ثبت دیر هنگام از این منظر متفاوت دارد.

واژگان کلیدی: ثبت رویداد های حیاتی - اظهار قانونی رویداد های حیاتی - اعلام کنندگان قانونی - دیر ثبتي - اعلام خارج از مهلت قانونی - اسناد هویتی - ارقام اطلاعاتی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- دانشیار و مدیر گروه حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه

۲- کارشناس ارشد رشته حقوق خصوصی و معاون اداره کل امور حقوقی سازمان ثبت احوال کشور (نویسنده مسئول)

مقدمه

برای رفع مشکل ثبت نابهنگام می بایستی وضعیت موجود از ابعاد مختلف ارزیابی شود. در این مقاله سیر تحول و تطور قانونگزاری در مورد ثبت رویدادهای حیاتی در طول تاریخ ثبت وقایع حیاتی در ایران مورد بررسی قرار گرفته و نقاط قوت و ضعف آن بیان می شود. ارزش و اعتبار آمارهای ثبتی بواسطه وجود قوانین و مقررات و رویه های قانونی است که زیربنای قانونی آنها را تشکیل داده است. رویداد های حیاتی در قالب اسناد هویتی شهروندان در چارچوب قوانین و مقررات به ثبت می رسد. سابقه قانون گذاری برای ثبت رویداد های حیاتی در ایران اجمالاً بشرح زیر است :

تصویب نامه ثبت احوال مصوب پنجاه و نهمین جلسه بیستم سنبله سال ۱۲۹۷مشمتمل بر ۴۱ ماده، قانون ثبت احوال مصوب چهاردهم خرداد ماه سال ۱۳۰۴ مشتمل بر ۳۵ ماده، قانون سجل احوال مصوب بیستم مرداد ماه سال ۱۳۰۷ مشتمل بر ۱۶ ماده، قانون اصلاح قانون ثبت احوال مصوب بیست و دوم اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۹مشمتمل بر ۵۵ ماده و آخرین مصوبه قانون ثبت احوال مصوب تیر ماه سال ۱۳۵۵ و اصلاحیه مورخ ۱۳۶۳/۱۰/۱۸ مشتمل بر ۵۵ ماده است، این مقاله در ۴ بخش، مهلت اعلام، اعلام بعنوان یک عمل حقوقی، اعلام کنندگان قانونی و سیر تحول اقلام اطلاعاتی اسناد رویداد های حیاتی ارائه می شود.

مهلت قانونی اظهار وقایع حیاتی توسط اعلام کنندگان قانونی در قوانین ثبت احوال

قانونگذار برای تنظیم و تنسيق امور و ثبت به موقع وقایع ولادت و مرگ همواره ظرف زمانی معینی را در نظر گرفته و اعلام کنندگان را مکلف به رعایت آن نموده است.

در تصویب نامه ثبت احوال مصوب ۱۲۹۷ قانونگذار در خصوص مهلت اعلام وقایع ولادت و وفات مهلت ۱۵ روزه پیش بینی نموده است.^۱

در قانون سجل احوال مصوب چهاردهم اردیبهشت سال ۱۳۰۴ مهلت اعلام رویداد ولادت ۱۰ روز و زمان قانونی گزارش واقعه وفات فقط ۴۸ ساعت در نظر گرفته شده بود.^۲ این تکلیف در مورد افرادی که مستقیماً با متولد یا متوفی ارتباط داشته باشند به شکل شدیدتری وجود داشت. قانون این افراد را (ماماها و مسئولین دفن) مکلف به اعلام کتبی یا شفاهی ظرف ۲۴ ساعت نموده بود و مجازات حبس برای سرپیچی از قانون برای آنان در نظر گرفته شده بود.^۳ این الزام و اجبار قانونی نتیجه تکلیف مامورین ثبت احوال در قبال حکومت است، که می بایستی ظرف ۵ روز اول هر ماه کلیه رویداد های ثبت شده را اعلام می نمودند.

۱- ماده (۷) تصویب نامه ثبت احوال مصوب پنجاه و نهمین جلسه بیستم سنبله سال ۱۲۹۷

۲- ماده (۹) قانون سجل احوال مصوب چهاردهم اردیبهشت سال ۱۳۰۴

۳- ماده (۱۴) قانون سجل احوال مصوب چهاردهم اردیبهشت سال ۱۳۰۴

قانون سجل احوال مصوب سال ۱۳۰۷ مهلتی ۱۰ روزه برای اعلام ولادت پیش بینی کرده بود.^۱ در این قانون، قانونگذار باز هم به رویداد فوت با حساسیت بیشتری نگریسته و فقط ۴۸ ساعت به اعلام کنندگان فرصت گزارش کردن واقعه فوت را داده است. در ۸۵ سال پیش قانونگذار برای اشخاص مرتبط با رویدادهای ولادت و وفات تکلیف سنگین تری را در نظر گرفته بود، به طوری که پزشک، مسئول دفن و ماما و همینطور مسئولین موسسات می بایستی رویداد ولادت طفل متوفی یا فوت مادر را در موقع وضع حمل ظرف ۲۴ ساعت آن هم به طور کتبی به مامورین سجل احوال گزارش نمایند.^۲

قانون اصلاح قانون ثبت احوال مصوب اردیبهشت ۱۳۱۹ برای تولد مهلتی ۱۵ روزه^۳ و برای وفات حداکثر ۴۸ ساعت زمان برای اعلام در نظر گرفته است.^۴

قانون فعلی ثبت احوال که مصوب سال ۱۳۵۵ و اصلاحی سال ۱۳۶۳ است، مهلت اعلام رویدادها را برای ولادت ۱۵ روز^۵ و برای وفات ۱۰ روز در نظر گرفته است.^۶

مهلت اعلام رویداد بسته به زمان و مکان وقوع رویداد می تواند، متفاوت باشد. چرا که اعلام کنندگان در شرایط یکسانی نیستند. بطور مثال با توجه به تعداد ادارات ثبت احوال و میزان پراکندگی آنها و عدم وجود اداره ثبت احوال در مناطق روستایی، مهلت اعلام می بایستی برای ساکنین روستا نسبت به شهر نشینان طولانی تر باشد، همینطور برای ساکنین مناطق مرزی و کوچ نشینان نیز باید مهلتی خاص شرایط آنان در نظر گرفته شود.

بنابر این تاخیر چند ماهه در بعضی مناطق، منطقی و در مقابل وقفه چند ساعته در برخی از نقاط کشور غیر قابل توجیه است.

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- ۱ ماده (۴) قانون سجل احوال مصوب بیستم مرداد ماه سال ۱۳۰۷
- ۲ ماده (۶) قانون سجل احوال مصوب بیستم مرداد ماه سال ۱۳۰۷
- ۳ ماده (۲) قانون اصلاح قانون ثبت احوال مصوب بیست و دوم اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۹
- ۴ ماده (۱۱) قانون اصلاح قانون ثبت احوال مصوب بیست و دوم اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۹
- ۵ تبصره ماده (۱۵) قانون ثبت احوال مصوب تیرماه سال ۱۳۵۵ و اصلاحیه مورخ ۱۳۶۳/۱۰/۱۸
- ۶ ماده (۲۵) قانون ثبت احوال مصوب تیر ماه سال ۱۳۵۵ و اصلاحیه مورخ ۱۳۶۳/۱۰/۱۸

اعلام رویداد های حیاتی بعنوان یک عمل حقوقی

در قوانین ثبت احوال همواره دو واژه اعلام و اطلاع بکار رفته است، که دارای بار معنایی متفاوتی است. در عرف و معنای لغوی واژه های اعلام و اطلاع تقریباً مترادف هم بکار می روند. اطلاع در زبان عربی واقف گردیدن، دیده ور شدن، آگاه شدن و در فارسی به معنی آگاهی و خبر است و اعلام نیز به معنی آگاه ساختن، آگاه دادن و خبر دادن است.^۱ ولی بعنوان واژه ای خاص در ترمینولوژی حقوق ثبت احوال دارای مفاهیم جداگانه است.

اطلاع دادن، صرفاً آگاه ساختن مامورین ثبت احوال یا اداره ثبت احوال از وقوع یک رویداد است، ولی **اعلام** یک حکم قانون است و یک عمل قانونی محسوب می شود و دارای آثار حقوقی است. به عبارتی رابطه بین اعلام و اطلاع عموم و خصوص مطلق است. به این معنا که هر اعلام قانونی، اطلاع است ولی الزاماً هر اطلاع، اعلام قانونی نیست. " اعلام کننده کسی است که مکلف به اعلام واقعه می باشد و می تواند به شخص دیگری رسماً وکالت دهد تا از طرف او واقعه را اعلام نماید. " ^۲

از مصادیق اطلاع رسانی می توان به موارد زیر اشاره داشت :

در صورتی که طفل در مکانی متولد شود که خروج از آن ممنوع یا محتاج به اجازه مخصوص باشد نظیر ندامتگاه ، کانون اصلاح و تربیت و غیره ، متصدیان این سازمان ها مکلف به **اطلاع** واقعه و ایجاد تسهیلات لازم برای انجام وظایف صاحب واقعه می باشند.^۳ ماما یا پزشکی که در حین ولادت، حضور و در زایمان دخالت داشته، مکلف به **صدور گواهی ولادت** و ارسال یک نسخه از آن به ثبت احوال محل در مهلت اعلام می باشد.^۴ متصدیان گورستان یا دفن مکلف به **اطلاع** وفات به ثبت احوال هستند.^۵ در این مصادیق اطلاع دادن مسئولین منجر به ثبت نمی شود و مامور ثبت احوال یا همچنان منتظر اعلام از سوی صاحبان واقعه می شود یا بطریقی صاحبان واقعه را دعوت به اعلام قانونی می کند. نظر به اینکه اعلام قانونی، الزاماً و معمولاً توسط مردم انجام می شود، این اقدام ممکن است تحت تاثیر عوامل مختلف به تعویق افتاده و اهرم های ترغیبی، تشویقی و حتی تهدیدی (مجازات ها) کار گشا نبوده و نتیجتاً اعلام دیر هنگام باعث دیر ثبتی شود. برای حل این مشکل می بایستی دامنه اعلام قانونی را توسعه داد و به

۱- فرهنگ فارسی عمید - چاپ بیستم ۱۳۸۰

۲- تبصره ۱ ماده ۶ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵

۳- تبصره ماده ۱۸ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵

۴- ماده ۱۹ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵

۵- تبصره ماده ۲۶ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵

اطلاع رسانی های فوق الذکر مسئولین مرتبط با رویداد های حیاتی مذکور در قانون رسمیت بخشید و اطلاع رسانی آنان را به منزله اعلام قانونی تلقی کرد.

در قانون ثبت احوال مصوب سال ۱۳۵۵ امکانات و ظرفیت های خوبی وجود دارد که چنانچه این ظرفیت ها با ساز و کار های مناسب بکار گرفته شوند، تقریباً هیچ واقعه ای که در شرایط عادی بوقوع بپیوندد، دچار دیر ثبتي نخواهد شد.

برخی از این ظرفیت ها عبارتند از : ماده ۲۷ قانون ثبت احوال ، آئین نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۵ قانون مذکور و شورای عالی ثبت احوال. با بهره گیری از این ظرفیت های قانونی دایره شمول اعلام و اعلام کننده توسعه می یابد و مطمئناً موجب تسهیل امر اعلام قانونی و به تبع آن ثبت رویداد خواهد بود. در طول ۹۰ سال گذشته تکلیف اعلام اساساً به عهده صاحبان واقعه بوده و فقط در شرایط استثنایی مامورین دولتی (به غیر از مامورین ثبت احوال) موظف به اعلام شده بودند.

اعلام قانونی رویدادهای ولادت و فوت بنابر نتایج پژوهشهای انجام شده طی ۲۰ سال گذشته، همواره متاثر از عوامل اجتناب ناپذیر اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بوده است. از زمان تاسیس ثبت احوال در ایران، ثبت رویدادهای حیاتی هیچگاه به تعویق نیافتاده است.^۱ ثبت وقایع به هیچ وجه نباید به عهده تعویق افتد و در ثبت هر واقعه سال، ماه، روز و ساعت آن قید می گردد.^۱

همواره پوشش ثبتی تقریباً کامل بوده به این معنا که هیچ رویداد اعلام شده از سوی اعلام کننده قانونی، ثبت نشده باقی نمی ماند و نقص در پوشش اعلام رویداد بوده که با انجام ماموریت های خارج از اداره تحت عنوان دهگردشی، مامورین ثبت احوال در مناطق روستایی حضور مستمر داشته اند. البته این اقدام شرط لازم برای ثبت بود و شرط کافی اقدام مردم بعنوان اعلام کننده قانونی در اعلام وقایع حیاتی است. بهر حال هر شخصی به دلیلی در اعلام رویداد تاخیر می کند و اهرم های مختلف دولت برای اعلام بموقع کارگر نیفتاده است و هنوز شاهد تاخیر در اعلام رویدادهای حیاتی هر چند ناچیز هستیم.

از حدود ۱۵ سال پیش تاکنون هرگاه اقدام فوق العاده ای صورت می پذیرفت، از جمله طرح پوشش کامل ثبت وقایع حیاتی یا طرح شهید ارجمندی یا اقدامات ویژه در مناطق خاصی از کشور، تنها در آن دوره حجم ثبت بالا می رفت و نتیجه آن طرح ها صرفاً جبران

مافات (ثبت معوق) بود تا ثبت بهنگام، به مجرد توقف اقدامات فوق العاده و قرار گرفتن در شرایط عادی، وضعیت اعلام به حالت سابق بر می‌گشت.

بدیهی است انجام طرح‌های ویژه از خود آثار آموزشی و فرهنگی گذاشته و اندکی در اعلام بهنگام تاثیر داشته است، ولی برای پوشش کامل زمانی و جغرافیایی متمر ثمر نبودند. در اقدامات فوق العاده معمولاً ۴ گام تا ثبت یک واقعه طی می‌شد:

۱- کشف رویداد

۲- دعوت به اعلام رویداد

۳- اعلام رویداد

۴- ثبت رویداد

از این چهار مرحله فقط مرحله چهارم یعنی ثبت رویداد تکلیف ثبت احوال است و ۳ گام قبلی بعنوان یک کار فوق العاده و برای تسهیل در اعلام بموقع رویداد های حیاتی توسط مامورین ثبت احوال انجام می‌شد. این در حالی است که چنانچه مسئولین مرتبط با رویداد های حیاتی ولادت و مرگ در سایر دستگاهها برابر قانون وظیفه خود را انجام دهند و مهم تر از آن اطلاع رسانی آنان بمنزله اعلام قانونی تلقی گردد، عواملی که مانع اعلام بهنگام واقعه توسط صاحبان واقعه می‌شد، تاثیری بر اعلام توسط عوامل سایر دستگاهها نداشته و امروزه با بهره گیری از فناوری اطلاعات، هیچ رویدادی دچار دیر ثبتی نخواهد شد.

اعلام کنندگان قانونی رویداد های حیاتی ولادت و مرگ در قوانین ثبت احوال

در قانون سال ۱۲۹۷ پدر و در غیاب او مادر یا جد، مکلف به اعلام ولادت بودند. در خصوص فوت قانون روسای خانواده را مسئول اعلام نموده بود.^۱

در قانون سال ۱۳۰۴ پدر و در غیاب او مادر اعلام کننده واقعه ولادت بود^۲ و در مورد وفات این مسئولیت بر عهده دو نفر از ساکنین محل وفات بود و در خصوص افرادی که دارای مسکن ثابت نیستند، به عهده مامورین تنظیم است^۳. در این قانون ماماها و مسئولین گورستانها به واسطه ارتباط مستقیم با متولد یا متوفی اعلام کننده هستند. قانونگذار پیش بینی اعلام رویداد در شرایط خاص را نیز نموده است. بطور مثال تولد در کشتی باید توسط پدر و مادر

۱- ماده ۷ تصویب نامه ثبت احوال مصوب سل ۱۲۹۷

۲- ماده ۹ قانون ثبت احوال مصوب سال ۱۳۰۴

۳- ماده ۱۰ قانون ثبت احوال مصوب سال ۱۳۰۴

اعلام و از ناخدا گواهی دریافت شود و در اولین بندر ایرانی یا خارجی واقعه به ثبت برسد.^۱ در مورد وفات حین مسافرت و در راه، مامورین پلیس مکلف به اعلام به ثبت احوال شده اند.^۲

قانون سال ۱۳۰۷ اعلام واقعه ولادت را به عهده پدر یا مادر یا ماما گذاشته است و در مورد اطفال متولد در موسسات، روسای آن موسسات مکلف به اعلام بودند.^۳ در این قانون اعلام رویداد وفات به عهده نزدیکترین اقربای حاضر شخص متوفی یا وکیل و یا نماینده آنان و در صورت نبودن این افراد به ترتیب بر عهده سرپرست یا مستخدمین خانه بود. در شرایطی که طفل فوت کند یا مادر حین وضع حمل فوت نماید، پزشک معالج و مسئول گورستان و ماما ملزم می باشند، ظرف ۲۴ ساعت مراتب را کتباً به ثبت احوال اطلاع دهند.^۴ فوت اشخاص در موسسات عام المنفعه می بایستی توسط روسای آن موسسات اعلام گردد.^۵

قانون سال ۱۳۱۹ برای اعلام رویداد ولادت، قائل به ترتیب شده است، اولاً پدر، ثانیاً ولی یا سرپرست طفل و ثالثاً مادر می بایستی رویداد را اعلام نمایند.^۶ در شرایط تولد در کشتی ناخدا گواهی تولد صادر می کند و متصدی نگاهداری طفل در اولین شعبه ثبت احوال در ایران یا در نمایندگی کنسولی اعلام رویداد می کند.^۷ در مورد اعلام واقعه فوت قانونگذار به ترتیب، نزدیک ترین اقربای حاضر متوفی، سرپرست ساکنین خانه محل فوت، مستخدمین خانه، هر شخص که حاضر باشد، مامورین شهربانی، بخشدار یا کدخدا را مکلف به اعلام نموده است.^۸ وفات است.^۹ وفات در موسسات بعهدہ مدیر یا متصدی آن موسسات است.^۹

در حال حاضر قانونگذار به همراه اعلام، امضای دفتر ثبت کل وقایع را نیز حکم کرده است و می بایستی توأمان با اعلام به ترتیب توسط: پدر یا جد پدری، مادر در صورت غیبت پدر و در اولین موقعی که قادر به انجام این وظیفه باشد، وصی یا قیم یا امین، اشخاصی که قانوناً عهده دار نگهداری طفل باشد، متصدی یا نماینده موسسه ای

۴- ماده ۳۲ قانون ثبت احوال مصوب سال ۱۳۰۴

۵- ماده ۳۳ قانون ثبت احوال مصوب سال ۱۳۰۴

۱ ماده ۴ قانون سجد احوال مصوب ۱۳۰۷

۲ ماده ۶ قانون سجد احوال مصوب ۱۳۰۷

۳ تبصره ۲ ماده ۶ قانون سجد احوال مصوب ۱۳۰۷

۴ ماده ۳ قانون اصلاح قانون ثبت احوال مصوب بیست و دوم اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۹

۵ ماده ۹ قانون اصلاح قانون ثبت احوال مصوب بیست و دوم اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۹

۶ ماده ۱۲ قانون اصلاح قانون ثبت احوال مصوب بیست و دوم اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۹

۷ ماده ۱۳ قانون اصلاح قانون ثبت احوال مصوب بیست و دوم اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۹

که طفل به آنجا سپرده شده است، صاحب واقعه که سن او از ۱۸ سال تمام به بالا باشد به امضاء برسد.^۱

این قانون برای اعلام واقعه فوت نیز قائل به ترتیب شده است و مثل ولادت در زمان اعلام، امضای سند نیز باید انجام شود. این وظیفه به ترتیب به عهده: نزدیک ترین خویشاوند متوفی که در موقع وفات حاضر بوده است، متصدی یا صاحب مکانی که وفات در آن رخ داده است یا نماینده او، هر شخصی که در موقع وفات حاضر بوده است، ماموران انتظامی یا کدخدا است.^۲

در این قانون امکانی پیش بینی شده است که چنانچه مامورین دولتی انتظامی یا قضایی رویداد ولادت یا وفاتی را اعلام نمایند، نیازی به امضای سند نیست و همان نامه مستند ثبت قرار می گیرد. " در صورتیکه وفات یا ولادت طی نامه رسمی از طرف ماموران انتظامی یا قضائی و یا سایر مقامات اعلام شود، شماره و تاریخ اعلامنامه در سند درج و به منزله امضاء سند خواهد بود."^۳ ظرفیت ایجاد شده در قانون فعلی می تواند بازوی توانایی برای رفع معضل اعلام دیرهنگام از سوی اعلام کنندگان قانونی خصوصاً مردم باشد، ولی برای بکارگیری آن نیازمند مکانیزمی برای اجرا هستیم. در مواد فوق الذکر انواع اعلام کنندگان برای شرایط مختلف، توسط قانونگذار پیش بینی شده است. ولی در بین آنها ماده ۲۷ قانون ثبت احوال مصوب سال ۱۳۵۵ دست را کاملاً باز گذاشته است و به ماموران انتظامی یا قضایی و یا سایر مقامات اختیار اعلام رسمی رویداد ولادت و وفات داده است و مهم تر اینکه نیازی به حضور آنها در اداره ثبت احوال برای امضای سند نیست، در این گونه موارد درج شماره و تاریخ اعلام نامه در سند به منزله امضای سند است.

واژه مقامات قدری ابهام دارد که مستفاد از ماده ۲۸ می توان تفسیری مضیق از آن واژه داشت. در ماده ۲۸ از مقامات، به مقامات انتظامی یا گروههای امدادی و فرماندهان نظامی یاد کرده است. در قوانین سابق نیز از مامورین دولتی برای اعلام استفاده کرده اند. چنانچه واژه **همکاری** مذکور در تبصره ۱ ماده ۵ بعنوان **اعلام** تفسیر شود و برای ایجاد وحدت رویه دستورالعمل خاصی برای اعلام به تصویب شورای ثبت احوال برسد، این ماده می تواند زیرساخت مناسبی برای کلیه رویدادهای حیاتی باشد و با بهره گیری از فناوری اطلاعات در اسرع وقت کلیه

۸ ماده ۱۶ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵ متضمن اصلاحیه سال ۱۳۶۳

۱ ماده ۲۶ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵ متضمن اصلاحیه سال ۱۳۶۳

۲ ماده ۲۷ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵ متضمن اصلاحیه سال ۱۳۶۳

وقایع حیاتی به ثبت برسد. در واقع یک ثبت اتوماتیک صورت گیرد و به عبارتی هیچگاه صاحبان واقعه عمل ثبت را احساس نکنند.

باتوجه به مطالب پیش گفته در این بخش، ثبت رویداد فوت با استفاده از این ظرفیت قانونی امکان پذیر است، ولی در مورد ثبت رویداد ولادت تنها نام نوزاد است که می بایستی توسط والدین انتخاب و اعلام شود و مابقی اقلام سند ولادت نیاز به تصمیم والدین ندارد. این قلم اطلاعاتی تنها اطلاعی است که موکول بر تصمیم والدین است که خود یکی از عوامل اعلام دیرهنگام توسط اعلام کنندگان قانونی است.

از آنجائیکه این اطلاع صرفاً در زمان صدور شناسنامه نوزاد، مورد نیاز است و به واقع تاثیر چندانی در ثبت رویداد و تنظیم سند هویتی ندارد، اگر بتوان تنها این مورد را که موکول به تصمیم والدین است، به آینده واگذار نمود (بعد از انتخاب نام توسط والدین و مراجعه برای اخذ شناسنامه)، درصد قابل توجهی از رویدادهای ولادت که این عامل تاخیر، باعث دیرثبتي آنها شده است، به موقع ثبت خواهند شد.

ظرفیت قانونی ماده ۲۷، آیین نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۵، تفاهم نامه همکاری مشترک سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور و دستورالعمل اجرایی آن و همچنین پتانسیل شورای عالی ثبت احوال می تواند در قالب مکانیزمی خاص، مسئله اعلام دیر هنگام و به تبع آن دیر ثبتي را ریشه کن کند.

اقلام اطلاعاتی انواع اسناد رویداد های حیاتی

۱- سند ثبت رویداد ولادت

در طول تاریخ ثبت احوال شکل و اقلام مندرج در اسناد هویتی حسب نیاز های زمان خود تغییراتی یافته است. در این بخش از مقاله که با رویکرد تولید آمار های جمعیتی صورت گرفته، ۵ نوع سند به ترتیب زیر که تقریباً تمام اسناد هویتی موجود در پایگاه اطلاعات جمعیتی کشور را شامل می شود، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

اسناد نوع اول از سال ۱۲۹۷ تا ۱۳۱۴، اسناد نوع دوم در سال ۱۳۱۵، اسناد نوع سوم از سال ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۰، اسناد نوع چهارم از سال ۱۳۲۱ تا ۱۳۶۳ و اسناد نوع پنجم از سال ۱۳۶۴ تا کنون مورد استفاده قرار گرفته است.

بطور کلی از حدود ۳۰ قلم اطلاعاتی که در اسناد ادوار مختلف وجود دارد، تعداد ۱۱ قلم آن در تمامی انواع اسناد هویتی از بدو تاسیس ثبت احوال در ایران تا کنون مشترک بوده و بقیه اقلام به شرح جدول زیر در بعضی از اسناد گنجانده نشده است.

اسناد نوع اول که در اوایل تاسیس ثبت احوال بکار می رفته، تقریباً کامل ترین نوع سند ولادت بوده و فقط اقلام سواد پدر و تاریخ تولد مادر در آن وجود نداشته است.

در اسناد نوع دوم بجز نام پدر و مادر اطلاعات دیگری از والدین به ثبت نمی رسید. سن اعلام کننده و گواه و همینطور شغل گواه و ساعت تولد نوزاد نیز از اقلامی است که در سند نوع دوم نیامده بود.

در اسناد نوع سوم اطلاعات پدر کاملاً جمع آوری می شد ولی از مادر فقط نام و نام خانوادگی وی در سند درج می شد. در این نوع سند در مقایسه با نوع دوم علاوه بر ساعت تولد، محل تولد نیز جمع آوری نمی شد. سن اعلام کننده و گواه و همینطور شغل گواه نیز مثل سند نوع دوم در سند تعبیه نشده بود.

در سند نوع چهارم سواد پدر حذف شده، اطلاعات مادر تغییری نسبت به سند نوع سوم ندارد و شغل و آدرس اعلام کننده نیز حذف شده است و همینطور سن و شغل گواهان.

سند نوع پنجم، یعنی سند جاری، اطلاعات نوزاد کامل است، ولی از والدین اعلام کننده و گواهان فقط نام و نام خانوادگی و تاریخ تولدشان جمع آوری می شود. فرق این سند با سایر انواع اسناد در درج تاریخ ازدواج والدین است.

از زمان بهره گیری ثبت احوال از فناوری اطلاعات در امور ثبت رویداد های حیاتی، مجموعه اطلاعاتی را حسب نیاز زمان خود همراه با ثبت ولادت جمع آوری می نموده که در سند ولادت پیش بینی نشده بود. آن اقلام عبارتند از: دین، تعداد مولود، مستند ثبت، نوع ازدواج والدین و زایمان توامان.

اقلامی نیز مورد نیاز مطالعات جمعیتی است که پیشنهاد جمع آوری آن از سوی متولیان امر شده است، که عبارتند از: تحصیلات و شغل والدین، تاریخ تولد فرزند قبل، طول دوره بارداری و موارد ورود به تابعیت.

جدول شماره ۱: اقلام اطلاعاتی اسناد ولادت در سیر تحول اسناد هویتی

موضوع	اقلام	انواع اسناد هویتی				
		سند نوع پنجم ۱۳۶۴ تا کنون	سند نوع چهارم ۱۳۶۳-۱۳۲۱	سند نوع سوم ۱۳۲۰-۱۳۱۶	سند نوع دوم ۱۳۱۵	سند نوع اول ۱۲۹۷- ۱۳۱۴
نوزاد	نام	■	■	■	■	■
	نام خانوادگی	■	■	■	■	■
	جنس	■	■	■	■	■
	تاریخ ثبت (اعلام)	■	■	■	■	■
	تاریخ تولد	■	■	■	■	■
	ساعت تولد	■	■	■	■	■
	محل تولد	■	■	■	■	■
پدر	نام	■	■	■	■	■
	نام خانوادگی	■	■	■	■	■
	تاریخ تولد	■	■	■	■	■
	شغل	■	■	■	■	■
	مسکن	■	■	■	■	■
ازدواج	ازدواج والدین	■	■	■	■	■
	نام	■	■	■	■	■
مادر	نام خانوادگی	■	■	■	■	■
	سن	■	■	■	■	■
	تاریخ تولد	■	■	■	■	■
	مسکن	■	■	■	■	■
اعلام کننده	نام	■	■	■	■	■
	نام خانوادگی	■	■	■	■	■
	سن	■	■	■	■	■
	نسبت با نوزاد	■	■	■	■	■
	شغل	■	■	■	■	■
گواهان	نام	■	■	■	■	■
	نام خانوادگی	■	■	■	■	■
	سن	■	■	■	■	■
	شغل	■	■	■	■	■
ثبت وقایع جهانی جمع آوری می شود	دین	■	■	■	■	■
	تعداد مولود	■	■	■	■	■
	مستند ثبت ولادت	■	■	■	■	■
	نوع ازدواج والدین	■	■	■	■	■
	زایمان توانمند	■	■	■	■	■
دیگر اقلام مورد نیاز	تحصیلات مادر					
	تحصیلات پدر					
	شغل مادر					
	شغل پدر					
	تاریخ تولد فرزند قبل					
	طول دوره بارداری					
ورود به تابعیت						

۲- سند ثبت رویداد وفات

اسناد وفات به اندازه اسناد ولادت دستخوش تغییرات نشده است و تنها در ۳ شکل وجود داشته است. اسناد نوع اول از سال ۱۲۹۷ تا ۱۳۷۴، اسناد نوع دوم از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۶ و اسناد نوع سوم از سال ۱۳۸۷ تا کنون مورد استفاده قرار گرفته است.

اقلام اطلاعاتی سند وفات نیز همانند شکل آن تغییرات زیادی نداشته است و بجز علت فوت مسئله خاصی ندارد و می بایستی همچون رویداد ولادت به کیفیت جمع آوری اقلام فعلی پرداخته شود. اقلامی نیز در رابطه با تولید آمارهای جمعیتی مورد نیاز است که در جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۲- اقلام اطلاعاتی سند ثبت رویداد فوت

اقلام	سند فعلی	دیگر اقلام مورد نیاز
جنس	■	
تاریخ تولد	■	
تاریخ ثبت	■	
تاریخ فوت	■	
علت فوت	■	
محل سکونت	■	
مستند ثبت	■	
محل ثبت	■	
وضعیت ثبت وفات	■	
محل فوت		■
نوع اعلام به تفکیک اعلام کننده حقوقی		■
دین و مذهب		■
شغل		■

نتیجه گیری:

تعویق اعلام قانونی مانع اساسی ثبت بهنگام رویدادهای حیاتی است. وظیفه اعلام رویداد هیچگاه بعهدہ ثبت احوال نبوده و در حال حاضر هم نیست. ثبت رویداد های حیاتی اعلام شده به ثبت احوال در طول تاریخ تاسیس آن، هیچگاه به تاخیر نیافتاده است و ثبت احوال برای پوشش جغرافیایی خود علاوه بر انجام وظیفه در محل اداره در نقاط شهری، بطور فوق العاده نیز مامورین خود را به نقاط روستایی اعزام داشته و نسبت به ثبت رویداد های ولادت و فوت اقدام می نماید. در ۱۵ سال گذشته سازمان ثبت احوال کشور یک برنامه فوق العاده را در جهت ثبت بهنگام اجرا نموده که شامل ۴ فعالیت (۱- کشف ۲- دعوت به اعلام ۳- اعلام ۴- ثبت رویداد) بوده است. در این برنامه فعالیت های اول، دوم و چهارم توسط ثبت احوال و فعالیت سوم توسط اعلام کننده قانونی انجام می شد. بنابر این از ۳ فعالیت انجام شده توسط ثبت احوال فقط فعالیت چهارم وظیفه قانونی او بوده و دو فعالیت اول و دوم بطور خاص و موقتی در جهت تسهیل ثبت بهنگام صورت می پذیرفت.

راهکار عملی برای اعلام رویدادهای ولادت یا مرگ با کمترین فاصله بعد از وقوع آنها می تواند، بکارگیری ظرفیت های قانونی موجود نظیر ماده ۲۷ و آیین نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۵ قانون ثبت احوال باشد. همچنین بهره برداری از تفاهم نامه همکاری مشترک سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور و دستورالعمل اجرایی آن برای ثبت رویداد های وفات و استفاده از پتانسیل شورای عالی ثبت احوال در تصویب دستورالعمل های لازم در جهت تسهیل امر اعلام و نیز طراحی ساز و کار اعلام قانونی رویداد های ولادت و مرگ توسط دستگاههای ذیربط و مبادی مرتبط با وقوع رویداد های حیاتی، مبتنی بر قانون و مقررات موجود، می تواند به ثبت به هنگام کمک کند. بهره گیری از فناوری اطلاعات در هماهنگی کامل با نرم ها و استاندارد های ثبت احوال در انتقال اطلاعات رویداد های حیاتی از مبداء وقوع یا اعلام به سامانه های ثبت رویدادهای حیاتی نیز تسهیل کننده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع :

- ۱- قانون ثبت احوال مصوب سال ۱۲۹۷
- ۲- قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۰۴/۲/۱۴
- ۳- قانون سجل احوال مصوب ۱۳۰۷/۵/۲۰
- ۴- قانون اصلاح قانون ثبت احوال مصوب اردیبهشت ۱۳۱۹
- ۵- قانون ثبت احوال مصوب تیر ماه سال ۱۳۵۵ متضمن اصلاحیه ۶۳/۱۰/۱۸

